سوسن پرور:

در «بوتاکس» غریزی و حسی بازی کردم

سوسن پرور با سریال «بزنگاه» رضا عطاران در سال ۱۳۸۷ شناخته شد و بعد از آن هم در فیلم‌ها، مجموعه‌ها و برنامه‌های کمدی و طنز بیشتر حضور پیدا کرد. حالا بعد از سال‌ها، او برای اولین بار در یک نقش جدی در فیلم داستانی بلند «بوتاکس» به کارگردانی کاوه مظاهری ظاهر شده است. این فیلم اکران خود را در سینماهای «هنروتجربه» آغاز کرده است.

سوسن پرور درباره چگونگی رسیدن به نقش اکرم در فیلم «بوتاکس» و همکاری با این پروژه گفت: مثل همه کارها فیلمنامه را برای من فرستادند، فیلمنامه «بوتاکس» فوق‌العاده بود و خیلی دوست داشتم و فکر کردم یا برای بازیگر اشتباهی فرستادند یا من را برای یک نقش کمدی کوتاه در اواسط فیلمنامه در نظر دارند. زنگ زدم و گفتم فکر کنم همین سوءتفاهم‌ها شده اما کاوه مظاهری گفت همان کاراکتر اکرم را برای شما در نظر داریم. وی در همین راستا افزود: با کاوه مظاهری صحبت کردم و گفتم من در ژانر کمدی جا افتاده‌ام و مردم من را در این فضا نمی‌پذیرند. نهایتا به مظاهری اعتماد کردم و وقتی متوجه شدم تمرین‌های قبل از تصویربرداری هم داریم خیالم راحت شد. کارگردان از روند تمرینات راضی بود و برای من یک تجربه متفاوت بی‌نظیری بود. به همین خاطر می‌گویم آن مقطع یکی از شانس‌های بزرگ زندگی من بود. کارگردان نمایش «هایلایت» با اشاره به فضای متفاوت «بوتاکس» بیان کرد: سال‌ها است که کار بازی کردن برای من تنها به خاطر امرار معاش است و برای دیده شدن و تعریف شنیدن بازی نمی‌کنم. در هشتاد درصد سریال‌ها نقش دختر ترشیده را بازی می‌کردم و بلد بودم و عادت شده بود. با «بوتاکس» با فضایی مواجه شدم که باید خلق صورت می‌گرفت و من باید چیزی را خلق می‌کردم و واقعیت این است که آن ابزاری که برای خلق کردن بلدم سال‌ها خاک خورده بود. وی افزود: اگر صادقانه بخواهم صحبت کنم باید بگویم این کار و این نقش آرتیست لازم داشت و برای منی که سال‌ها از فضای آرتیستی در تصویر دور بودم موقعیت خیلی سختی بود. ایفای این نقش در تئاتر برای من راحت‌تر بود به این دلیل که در تئاتر فضای آرتیستی را از دست نداده‌ام اما در کار تصویر به خاطر مدل کارهای مردم پسند و سازمان پسندی که من تجربه کردم از این فضا دور شده بودم. کارگردان نمایش «اشتباه گرد تنها» پیرامون ایفای غریزی نقش اکرم توضیح داد: بازی در نقش اکرم «بوتاکس» برای من خیلی سخت بود و برگ برنده من در نقش اکرم دو مورد بود. اول اعتماد کاوه مظاهری و دوم اینکه بعد از

تقریبا ۱۵ سال است که کار تصویر انجام می‌دهم و ۲۵ سال هم کار هنری، خیلی انگشت‌شمار کاری را می‌توانی تجربه کنی که صفر تا صد تیم کار آدم حسابی باشند و هیچکس به دنبال فخرفروشی نباشد و همه آمده باشند کارشان را به نحو احسن انجام دهند و کسی هم ادعای اینکه من فوق‌العاده هستم را نداشته باشد

پیشنهاد او مثل این بود که در دورانی که قند و شیرینی نیست، مظاهری برای من شکلات گالاردو آورد. (می‌خندد). این بازیگر تئاتر، تلویزیون و سینما در پاسخ این سوال که چقدر فیلم‌های قبلی کاوه مظاهری در قبول نقش اکرم اهمیت داشت عنوان کرد: پیش از «بوتاکس» کاوه مظاهری را نمی‌شناختم و فیلم‌های او را هم ندیده بودم. بعد از حدود ۱۰ روز از شروع کار بود که فیلم کوتاه «روتوش» را دیدم و به نظرم این فیلم هم فوق‌العاده بود. اگر مظاهری تمام سوابق قبلی را هم نداشت بازهم با او به دو دلیل کار می‌کردم. یکی اینکه وقتی اولین بار کاوه مظاهری را دیدم خودش بود و به معنی واقعی کلمه انسان بود. در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که آدم‌ها پیچیدگی‌های زیادی دارند و از پشت نقاب‌های آنها نمی‌توان چهره واقعی آنها را تشخصی داد اما مظاهری خودش بود. دومین دلیل هم نقش و فیلمنامه اثر بود که بی‌نظیر بود و عالی نوشته شده بود و دیگر بقیه چیزها مهم نبود. این کارگردان تئاتر ضمن تاکید بر تیم حرفه‌ای «بوتاکس» اظهار داشت: حتی اگر «بوتاکس» اکران هم نمی‌شد برای من آنقدر اهمیتی نداشت. لذتی که من در ساخت این فیلم بردم بسیار بیشتر از دیدن آن است. یک تیم درجه یک از بچه‌ها دور هم جمع شده بودند. تقریبا ۱۵ سال است که کار تصویر انجام می‌دهم و ۲۵ سال هم کار هنری، خیلی انگشت‌شمار کاری را می‌توانی تجربه کنی که صفر تا صد تیم کار آدم حسابی باشند و هیچکس به دنبال فخرفروشی نباشد و همه آمده باشند کارشان را به نحو احسن انجام دهند و کسی هم ادعای اینکه من فوق‌العاده هستم را نداشته باشد.

این بازیگر جوان پیرامون اکران «بوتاکس» در سینماهای «هنروتجربه» گفت: «بوتاکس» می‌توانست در سینماهای غیر از «هنروتجربه» هم اکران شود و مخاطبین زیادی را در شرایط عادی و غیرکرونایی جذب کند. گرچه موقعیت اکران در این شرایط چندان مناسب نیست و اوضاع برای سینما نرفتن مهیا است؛ هم به دلیل کرونا و هم اینکه مردم روحیه خوبی ندارند با این حال به اکران «بوتاکس» در «هنروتجربه» خوشبینم. ضمن اینکه ایمان دارم اگر «بوتاکس» به صورت آنلاین اکران شود یکی از فیلم‌های پر فروش خواهد شد. به گزارش هنروتجربه، سوسن پرور در انتها بیان کرد: فیلم‌های اکران شده «هنروتجربه» را می‌بینم و تنها به سینماها «هنروتجربه» در خانه هنرمندان می‌روم. اصلا یادم نیست آخرین بار که سینماهای غیر از «هنروتجربه» را تجربه کردم کی بوده است.

سال‌ها غریزی و حسی بازی کردم و به نقشی که نویسنده آنقدر خوب پرداخت کرده بود اعتماد کردم. سعی کردم در نقش حل شوم و از تکنیک به دور بودم. در زمان فیلمبرداری حتی یک فریم از کار را ندیدم و حتی عکس‌های پشت صحنه و سلفی را هم ندیدم و فقط در آینه گریم خودم را می‌دیدم. به این علت که کاراکتر اکرمی در ذهنم ساخته بودم و دلم نمی‌خواست نمود بیرونی آن را ببینم و از این ترس داشتم که به هر دلیلی این دیدن راکورد ذهنی اکرم به هم بزند. بعد از اتمام کار فیلم را روی پرده سینما دیدم و خیلی هیجان‌زده شدم، مخصوصا که سال‌ها از زمان ساخت فیلم گذشته بود و با دیدن اکرم ذوق کردم و چقدر او را دوست داشتم و از دیدنش لذت بردم. پرور در همین راستا افزود: خوشحالم این فرصت در «بوتاکس» در اختیار من قرار گرفت که مجالی برای بازی به معنای واقعی و خلق کردن را در مدیوم تصویر تجربه کنم. دایره نقش‌هایی که در تئاتر بازی کردم و در آنها موفق بودم خیلی بیشتر از تصویر است. از اعتماد مظاهری ممنونم و

انتقاد «دیزنی» از «جوهانسون»

۲۹ جولای وکلای «اسکارلت جوهانسون» اعلام کردند، این بازیگر از کمپانی دیزنی به دلیل نقض قرارداد پخش فیلم «بیوه سیاه» و اکران همزمان این فیلم در سرویس استریم شکایت کرده است. بلافاصله بعد از اعلام این خبر، کمپانی «دیزنی» در بیانیه‌ای شکایت «اسکارلت جوهانسون» را یک بی‌اعتنایی جدی به آثار هولناک و طولانی مدت بیماری همه گیر کرونا خواند. در بیانیه غیرمعمول و آتشین دیزنی آمده است: این دادخواست به ویژه از این جهت ناراحت‌کننده و غم انگیز است که به اثرات هولناک و طولانی مدت بیماری همه گیر کرونا بی‌توجهی شده است. به گزارش صبا، این کمپانی تاکید کرده اسکارلت جوهانسون در حال حاضر برای فیلم «بیوه سیاه» ۲۰ میلیون دلار دریافت کرده و حالا مدعی است انتشار «بیوه سیاه» در دیزنی پلاس به میزان قابل توجهی غرامت نصیب وی می‌کند.

جایزه برای «خط فرضی»

فیلم سینمایی «خط فرضی» به کارگردانی فرنوش صمدی و تهیه‌کنندگی علی مصفا، برنده ۲ جایزه بهترین فیلم و بهترین گروه بازیگران از فستیوال بین‌المللی فیلم «زنان بیروت» در کشور لبنان شد. جشنواره بین‌المللی فیلم زنان بیروت که تحت عنوان «زنان برای تغییر» با گردآوری فیلمسازان و دوستداران سینما از سراسر جهان با استفاده از قدرت لنز و سینما که پنجره‌ای برای جامعه و به ویژه زنان است، با مسائلی مانند برابری جنسیتی، هویت جنسی، خشونت خانگی توسط انجمن فیلم بیروت برگزار می‌شود. به گزارش ایلنا، این جشنواره که شامل فیلم‌هایی درباره زنان و یا ساخته شده توسط زنان است، با هدف برجسته ساختن قدرت زنان در موقعیت‌های مختلف هر سال در ماه جولای/ مرداد ماه برگزار می‌شود. سحر دولتشاهی، پژمان جمشیدی، حسن پورشیرازی، آزیتا حاجیان از بازیگران اصلی «خط فرضی» هستند.

مهرزمان فخارمنفرد درگذشت

مهرزمان فخارمنفرد از هنرمندان پیشکسوت عرصه نگارگری که طی روزهای گذشته در بیمارستان بستری بود، صبح روز پنجشنبه هفتم مرداد بر اثر ابتلا به کرونا در ۶۸ سالگی در بیمارستان امیراعلم تهران دارفانی را وداع گفت. مرحومه مهرزمان فخارمنفرد، متولد سال ۱۳۳۲ در شهرری، دارای مدرک درجه یک هنری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در رشته گل و مرغ، نگارگری را نزد اساتیدی چون سوسن آبادی، علی اشراقی، علی مطیع فراگرفت و رشته‌های تذهیب، گل و مرغ، هنرهای لاکی، نقاشی روی چوب، نقاشی روی شیشه و پشت شیشه و آب رنگ‌پرداز را نزد استاد بیوک احمری آموخته است. به گزارش مهر، مراسم خاکسپاری استاد مهرزمان فخارمنفرد که هفتم مردادماه درگذشت، امروز نهم مرداد ساعت ۱۰:۳۰ صبح با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) برگزار می‌شود.

گفتگو با لیلا سلیمانی، نخستین نویسنده مغربی برنده جایزه ادبی گنکور

با داستان گفتن به همه آرزوهای زندگی‌ام رسیدم

لیلا سلیمانی، نویسنده مغربی- فرانسوی از چرایی نوشتن، پیچیدگی‌های هویت انسان و نخستین کتاب از یک سه‌گانه درباره تاریخچه خانواده خود می‌گوید. سلیمانی ۳۹ ساله در رباط پایتخت مغرب (مراکش) بزرگ شد و در ۱۷ سالگی به پاریس رفت. نخستین کتابش «دل» یا «در باغ غول» سال ۲۰۱۴ در فرانسه منتشر شد و دو سال بعد با دومین رمان خود «لالایی» نخستین زن مغربی لقب گرفت که برنده معتبرترین جایزه ادبی فرانسه گنکور می‌شود. در ۲۰۱۷ امانوئل مکرون، رئیس جمهوری فرانسه سلیمانی را نماینده ویژه برای گسترش زبان و فرهنگ فرانسوی معرفی کرد. این نویسنده جوان که همراه همسر و دو فرزندش در پاریس زندگی می‌کند، سال گذشته کتاب کتاب غیر داستانی «جنسیت و دروغ» را درباره زندگی پنهان زنان مغربی روانه بازار کرد و تازه‌ترین کتاب او «کشور دیگران» نخستین جلد از یک سه‌گانه درباره تاریخچه خانوادگی خاندان سلیمانی است که تا چند روز دیگر در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. داستان در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ می‌گذرد و درباره پدربزرگ و مادربزرگ مادری سلیمانی در دوران مبارزه با استعمار است. به گزارش هنرآنلاین، آنچه می‌خوانید ماحصل گفتگو با این نویسنده معاصر است.

چه شد که خواستی درباره خانواده‌ات بنویسی؟

پس از بردن جایزه گنکور، می‌خواستم چیزی بنویسم که سخت باشد. در مقام هنرمندی که تحسین شده، مهم است کاری بکنی که امکان شکست خوردن و ناکامی در آن باشد. بعد به این ایده سه‌گانه خانوادگی-تاریخی رسیدم و خودم هم به آثار حماسی علاقه دارم. دوست داشتم زندگی یک شخصیت را از لحظه به دنیا آمدن تا مرگ دنبال کنم و دگردیسی جامعه را از نگاه او ببینم. از سوی دیگر، در سرزمین مادری‌ام مغرب انبوه کتاب‌ها از فرانسه، روسیه، آمریکا و بریتانیا خوانده بودم و با خودم گفتم چیزی بنویسم که آنها درباره کشور من بدانند. غربی‌ها ما را فقط مسلمان می‌دانند و می‌شناسند اما مهم است که بگوییم ما تاریخی پیچیده داریم.

می‌خواستی یک اثر حماسی درباره خانواده‌ای دیگر روایت کنی؟

نه. همیشه می‌دانستم قرار است درباره خانواده خودم باشم.

مادربزرگ در کودکی همواره برایم از خودش و ازدواجش داستان‌ها می‌گفت و من هم او و پدربزرگم را شخصیت‌های یک رمان می‌دیدم. پدربزرگم روی شکم خودش یک زخم بسیار بزرگ داشت و وقتی از او درباره این زخم پرسیدم، گفت که در جوانی در آلمان با یک ببر جنگیده و این یادگار همان ماجراست. من هم تا ۱۴ سالگی این داستان را باور کرده بودم. خیلی خوشبخت بودم که پدربزرگ و مادربزرگم دروغ می‌گفتند!

شاید برای اینکه کمک می‌کرد خیلی آسان‌تر یک داستانگو شوی؟

دقیقا. به من یاد داد اگر می‌خواهم زندگی آزاد داشته باشم، باید داستان بگویم. من کسی هستم که می‌تواند بسیار وحشت‌زده شود چون دوست دارد همه جا برود، همه کتاب‌ها را بخواند و همه حس‌ها را بشناسد. طبعا همه این‌ها غیر ممکن است مگر اینکه نویسنده باشی. حالا می‌توانی در یک دوره زمانی دیگر زندگی کنی، عاشق شوی یا حتی کسی را بکشی. اینکه می‌توانی هر کاری بکنی شگفت‌انگیز است.

آیا این سه‌گانه تاریخی یک کمان موضوعی دارد؟ یعنی درباره دگرگونی‌های زندگی زنان در گذر نسل‌هاست؟

بله. کتاب دوم درباره نسل مادر من (پزشک) در سال‌های پایانی دهه ۱۹۶۰ است و درباره برادر او و پدر من (اقتصاددان دولتی). این نسل می‌خواست مغرب را دگرگون و انقلاب کند اما در پایان یک طبقه متوسط در جامعه شد. ماجرای کتاب درباره ناامید شدن از خود است. موضوع کتاب آخر هم مهاجرت خواهد بود و ماجراهای آن در سال ۱۹۹۹ می‌گذرد، سالی که من به فرانسه رسیدم و مفاهیمی چون اسلامگرایی افراطی و تروریسم را به عنوان یک فرانسوی مغربی تجربه کردم. من از دو سو خیانت دیدم؛ اسلامگراهایی که پیشینه من را داشتند و غربی‌هایی نژادپرست که فکر می‌کردند من آن چیزی نیستم که نشان می‌دهم.

از ناامید شدن گفتی. فکر می‌کنی مردم چگونه می‌توانند در دوران نومیدی دوام بیاورند؟

اولین ناامیدی من وقتی بود که دریافتم زندگی چیزی نیست که ما در فیلم‌ها می‌بینیم؛ یعنی یک چیز خسته‌کننده. اینکه بزرگ شوم و ازدواج کنم و بچه‌دار شوم و بروم خرید و... من دو گزینه پیش رو داشتم؛ یا به زندگی‌ام پایان بدهم یا بروم یک زندگی که خودم دوست دارم و می‌خواهم نویسنده شوم. نمی‌خواستم زندگی‌ام شبیه مادر و پدرم یا دیگر آدم‌های معمولی باشد.

این روزها چه می‌خوانی؟ چه کتاب‌هایی روی میز اتاقت هست؟

«شرق‌شناس» تام ریس. «خون خردمندانه» فلانری اوکانر را هم می‌خوانم. یکی از نویسنده‌های محبوب من است و کتابش منبع الهامی برای نوشتن بخش سوم این سه‌گانه.

آخرین کتاب بزرگ که خواندی؟

«واقعیت یک بدن: یک جنایت و یک خاطره» نوشته الکساندریا مارزانو-لسنویچ؛ کتابی بسیار سخت و بسیار هوشمندانه که ابهام‌های روح انسان را نشان می‌دهد و فاصله‌ای که گاهی می‌تواند میان باورها و احساس‌های ما باشد.

کدام نویسندگان امروز را بیشتر تحسین می‌کنی و می‌پسندی؟

لودمیلا اولتسکایا، سوتلانا الکسیه‌ویچ، زیدی اسمیت و چیماماندا انگوزی آدیچی. نویسنده‌ای که خیلی تحسین می‌کنم، میشل ولبک است. البته با نگاهش به دنیا موافق نیستم اما فکر می‌کنم نویسنده‌ای بزرگ است. عاشق «مرغ مگس‌خوار» ساندرو ورنوسی هستم؛ یک شاهکار واقعی و کتابی بامزه، تاثیرگذار و عمیق که وقتی صفحه آخرش را خواندم، بسان یک دختربچه گریه می‌کردم.

امروز؛ همان فردای دیروز است

«برگزین» روزنامه‌های ایران

در این ستون ـ بی‌هیچ دخل و تصرفی ـ گزیده‌ای از مطالب روزنامه‌های سراسری کشور را، فردای انتشار می‌توانید مطالعه کنید.

شرق: چرا اغلب ناراضی‌اند؟

چرا اغلب ناراضی‌اند؟ به نظر می‌رسد دولت و حاکمیت برای ایجاد رضایت در میان گروه‌های مختلف اجتماعی باید به چند موضوع اساسی توجه کند؛ ثبات اقتصادی، نظم و توسعه آزادی‌های اجتماعی. درباره اهمیت و ضرورت ثبات اقتصادی و نقش آن در رضایت از زندگی و ایجاد آرامش سخن بسیار گفته شده است. کنترل تورم، بهبود فضای کسب‌وکار و... برای ثبات اقتصادی ضروری است. وام‌درمانی و پول‌پاشی برای ایجاد رضایت در میان گروه‌های مختلف اجتماعی وضعیت را بدتر می‌کند. افزایش حجم نقدینگی بدون رشد اقتصادی اوضاع را به‌شدت بی‌ثبات کرده است. بخش زیادی از ثبات اقتصادی به فراهم‌کردن زیرساخت‌ها و کالاهای عمومی باکیفیت مانند هوای پاک، آب آشامیدنی سالم، بهداشت و آموزش مؤثر و همچنین ارتباطات اقتصادی و سیاسی با سایر کشورها وابسته است. اما ثبات اقتصادی کافی نیست. بی‌نظمی در ارائه خدمات به جامعه نیز نارضایتی را بیشتر کرده است. بی‌نظمی‌های مکرر در تمامی امور آرامش شهروندان را به هم ریخته است. نظم در امور یکی از معیارهای تمایز کشورهای پیشرفته از سایر کشورهاست. بیشترین بی‌نظمی در خدمات دولتی است. متأسفانه بی‌نظمی‌ها ندید گرفته می‌شود و ظاهرسازی جای تلاش برای سامان‌دهی را گرفته است. بی‌نظمی، ناامیدی و نارضایتی می‌آورد. بخشی از بی‌نظمی‌ها به نبود شایسته‌سالاری برمی‌گردد. مدیرانی که شایستگی، تخصص و شجاعت لازم را ندارند؛ اینها گروهی هستند که فقط در پست‌ها و مقام‌های دولتی جابه‌جا می‌شوند و اگر در برخی مواقع جایگاه مدیریتی‌شان از دست برود، به‌دلیل نفوذشان در بوروکراسی دولتی در شرکت‌های شبه‌دولتی به کار گرفته می‌شوند. مدیرانی که لیاقت و شایستگی لازم ندارند، نه آینده‌پژوهی را درک می‌کنند و نه عملا حوصله شنیدن و خواندن گزارش‌های علمی مربوط به مدیریت خود را دارند و از همه مهم‌تر اینکه شجاعت تصمیم‌گیری‌های مهم را ندارند بنابراین از هیچ نوآوری و خلاقیتی برای برون‌رفت از مسائل حمایت نمی‌کنند. بوروکراسی دولتی عملا گروگان عده‌ای است و در خدمت انسان قرار ندارد. علاوه‌بر ثبات اقتصادی و نظم، آزادی اجتماعی بسیار اهمیت دارد و بخش زیادی از نارضایتی زنان، جوانان، نوجوانان و سایر گروه‌های اجتماعی به عدم امکان تجربه آزادی‌های اجتماعی در چارچوب قانون اساسی برمی‌گردد. دولت می‌تواند ایده چگونگی توسعه آزادی‌های اجتماعی را از جامعه مدنی بگیرد. خلاصه اینکه توسعه آزادی‌های اجتماعی و گسترش تسامح و تساهل در جامعه متکثر ایران ضروری است. لازم است کانال‌های مشروع برای بیان خواست‌ها، مطالبات آزادی‌خواهانه و مساوات‌طلبانه اجتماعی بیشتر شود تا کمتر جنبه خشونت‌آمیز به خود بگیرد. سه واکنش از طرف گروه‌های اجتماعی در مقابل بی‌ثباتی اقتصادی، بی‌نظمی و محدودیت آزادی‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. وفاداری، خروج و اعتراض. آلبرت هیرشمن این سه مفهوم را برای نحوه واکنش مردم به ارائه خدمات و کالاها توسط بنگاه‌ها و سازمان‌ها به کار برده است. با وجود مسائل و مشکلات و چالش‌های اساسی، برخی افراد از وضع موجود دفاع می‌کنند. برخی در مواجهه با سه مسئله خروج را انتخاب می‌کنند. در اینجا خروج را به مهاجرت تعبیر می‌کنم. بسیاری از جوانان و تحصیلکرده‌ها به دنبال راهی برای مهاجرت هستند. گروهی از افراد نیز اعتراض مدنی را انتخاب می‌کنند. گاهی اعتراض و مهاجرت به دلیل عدم ثبات اقتصادی و بی‌نظمی ساختاری است که بسیار در رسانه‌ها منعکس می‌شود، اما نارضایتی از محدودبودن آزادی‌های اجتماعی کمتر بیان شده است. بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته نیز در دوره‌هایی دچار بی‌ثباتی اقتصادی (رکود و بیکاری) می‌شوند یا بی‌نظمی‌هایی مقطعی در ارائه خدمات به شهروندان دارند اما تلاش می‌کنند به تعادل بازگردند و از آزادی‌های اجتماعی حمایت می‌کنند، هرچند آزادی اجتماعی کامل در هیچ کشوری وجود ندارد. با ایجاد ثبات اقتصادی، ایجاد نظم در ارائه خدمات و تسامح و تساهل بیشتر با شهروندان و توسعه آزادی‌های اجتماعی نارضایتی‌ها کاهش می‌یابد و شهروندان از زندگی در جامعه آرامش بیشتری به دست می‌آورند.

جوان: علیه نجوای فاسد تجزیه‌طلبی

محسن چاووشی، خواننده و آهنگساز کشور که این روزها با بحران آب در خوزستان، آهنگ «خوزستان» او دوباره زمزمه شد، در نوشتاری به برخی رفتارهای تجزیه‌طلبانه که با به راه افتادن اعتراضات اجتماعی پررنگ می‌شود واکنش نشان داد: «تبدیل کردن ندای لب‌تشنه‌های عدالت‌جو به نجوای فاسد جدایی‌طلبی، جز ظلم بیشتر به این مردم و این سرزمین نیست.» چاووشی دوست ندارد جناح‌های سیاسی (مثلاً اصولگرا) ترانه‌ها و آهنگ‌های او یا حتی برخی نوشته‌ها و اظهاراتش را مصادره به مطلوب کنند. حق هم همین است. هنرمند برای مردم و کشورش است. گاهی ممکن است حرفی بزند که یک جناح بپسندد و جناح دیگر نپسندد و روز بعد حرف دیگری که آن دو جناح واکنش عکس روز اول خود را نشان دهند. بنابراین، استقلال هنرمند و حفظ شأن ملی و مردمی اصل اساسی کار یک هنرمند اصیل است. نوشتار چاووشی درباره حوادث و بحران اخیر آب در خوزستان را اگر مقایسه کنید با جارچیان جیره‌خوار در رسانه‌های وابسته به سعودی (اینترنشنال) و حامی و محبوب سعودی (بی‌بی‌سی) عیار آدم‌ها معلوم می‌شود. وطن‌فروشان بی‌وطنی که توی چشم دوربین تروریست‌های وهابی زل می‌زنند و می‌گویند «نباید تجزیه ایران تابو باشد»! عناصری خودفروش که به بهایی اندک خود را به بدترین خلق بشر که تروریسم وهابی است فروخته‌اند و با افتخار می‌گویند «منافع هیچ کشوری از جمله ایران برای ما در رسانه اهمیت ندارد و هرجا بیشتر پول بدهند همانجا کار می‌کنیم.»

آن‌ها مصداق این تذکره نادر ابراهیمی هستند که می‌نویسد: «مگر وطن، مرتع است و انسان گاو، که فقط به خاطر چریدن و خوب چریدن، خوردن و خفتن و چنان کردن، لمیدن و نشخوار کردن و دفع زائدی کردن، وطن را بخواهد، مرد؟ عذاب کشیدن در زادگاه و خانه همانقدر حق است که بهره گرفتن و آسوده زیستن در زادگاه. تازه اگر گریختن به هنگام بلا، شرط عقل و عدل باشد، پس بلا را چه کسی له کند و درد را چه کسی علاج؟».

اما چاووشی در نوشتار خود آورده است:

آب قرار زندگی بود، نه بهانه مرگ و جدایی... باور کردنی نیست که در نتیجه چندین سال سیاست‌های نادرست و غلط، نخل‌هایی که گلوله‌های صدام نتوانست خم به ابروی‌شان بیاورد، سوختند و افتادند. باید بازگردیم و ببینیم که چگونه این همه تصمیم اشتباه کنار هم قرار می‌گیرند تا بر لب خشک کارون ترک بنشینند. مگر این سرزمین بدون تک‌تک اقوامش، بدون ترک، کرد، لر، عرب و... معنا و هویت دارد؟! سر باز کردن دوباره زخمی که بر سینه سرزمین و زادگاهم، بر قلب خوزستان نشسته است باعث شد که جای جای ایران بیشتر از گذشته با این رنج و اندوه همراه شوند. برای من شنیدن صدای حمایت ترک و لر و فارس از خوزستانِ لب تشنه مرهمی بود بر زخمی که به جان داریم. هرچند همیشه هراسم از این بوده که به خاطر جهل، ظلم و اشتباهات عده قلیلی، جدایی‌طلبان و دشمنان این آب و خاک، از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و ایران را به سمت تجزیه ببرند. باور دارم که توده مردم و همه اقلیت‌ها دشمن این جدایی هستند. همان‌هایی که هشت سال دست در دست هم، نگذاشتند یک وجب از این خاک کم شود، بعد از این هم نخواهند گذاشت که کسی از ایشان سوءاستفاده کند. تبدیل کردن ندای لب تشنه‌های عدالت‌جو به نجوای فاسد جدایی‌طلبی، جز ظلم بیشتر به این مردم و این سرزمین نیست. باور قلبی من این است که توده مردم ایران، جز مهر و دوستی و اتحاد، کلامی ندارند و جز عدالت، آزادی و آبادانی، سودایی را در سر نمی‌پرورند. ما دست در دست هم سرود ایران می‌خوانیم، برای مظلومیت خوزستان، سیستان و دیگر نقاط این سرزمین گریه می‌کنیم و فریاد سر می‌دهیم، اما نمی‌گذاریم که حتی یک نفر از این آواز ما رؤیای تکه پاره شدن ایران را در سر بپروراند. اگر مسئول دلسوزی هست که صدای ما را بشنود، از او می‌خواهم که به داد خوزستان برسد. لطفاً نگذارید زخمی بیش از این بر تن این سرزمین بنشیند. ما نیازمند تصمیمات درست، عاقلانه و فوری هستیم و از وعده، رنج و فراموش شدن‌ها خسته‌ایم...

شهروند: آیا ادعای خشکاندن هورالعظیم توسط شرکت چینی درست است؟

اداره کل روابط عمومی وزارت نفت در واکنش به ادعاهای احمد میدری در برنامه تلویزیونی جهان‌آرا در روز دوم مردادماه درباره تالاب هورالعظیم اعلام کرد: «خشکاندن بخشی از هور مربوط به سال‌های ۱۳۸۸ بوده است و اتفاقا وزارت نفت پس از استقرار دولت یازدهم و با توجه به خلع‌ید شرکت چینی از توسعه میدان نفتی آزادگان در سال ۱۳۹۳، فعالیت‌های گسترده‌ای برای احیای هورالعظیم انجام داد و فراتر از تعهدهای خود در این زمینه تلاش کرد. خوب است آقای احمد میدری که سابقه تدریس در دانشگاه و مراکز پژوهشی هم دارند و به‌عنوان مسئول در برنامه‌ای تلویزیونی حضور یافته است و ادعایی را مطرح می‌کنند، دست‌کم با سند و ارائه ادله و به‌طور واضح سخن بگویند، نه اینکه در فضای ملتهب خوزستان، با اظهاراتی ناقص و مبهم به حواشی این التهاب دامن بزنند.» وزارت نفت اعلام کرد: «ایشان در بخش دیگری از سخنانشان در حالی مدعی شده‌اند وزارت نفت در ماجرای سیل فروردین ۹۸ مانع ورود آب به هور شده است که این موضوع هرگز صحت ندارد و همه دستگاه‌های مسئول در آن ماجرا به نهایت همکاری صنعت نفت برای کنترل سیلاب حتی به قیمت زیرآب‌رفتن تأسیسات خود اذعان دارند.» وزارت نفت با دوراندیشی نسبت به حفظ محیط‌زیست به‌ویژه در تالاب بین‌المللی هورالعظیم بعد از سال ۱۳۹۲ با اختصاص صدها میلیارد ریال بودجه مازاد، هرگونه فعالیت نفتی در این منطقه را منطبق با استانداردهای محیط‌زیستی و براساس سیاست توسعه پایدار مدنظر داشته و اساسا توسعه نفت در هور در ردیف توسعه در مناطق دریایی قرار گرفته است. با این اوصاف عجیب است که آقای میدری بدون کمترین اطلاعی از این موضوع، مدعی است وزارت نفت برای ارزان تمام‌شدن پروژه‌های نفتی مجوز خشکاندن هور را صادر کرده است. به‌طور کامل روشن است که جناب آقای میدری براساس اطلاعات ناقص و برخی شنیده‌ها از یک تصمیم نادرست در سال ۱۳۸۸ این اظهارات را مطرح کرده‌اند و از ابطال این طرح در سال ۱۳۹۳ و تلاش‌ها برای احیای هور از سوی وزارت نفت بی‌اطلاع بوده‌اند، اما کاش مجری محترم برنامه جهان‌آرا در همان برنامه، مستندات این ادعا را از ایشان طلب می‌کرد و اجازه بیان سخن بدون سند و ایجاد انحراف در افکار مخاطبان را به ایشان نمی‌داد. وزارت نفت ضمن رد ادعاهای آقای میدری در برنامه جهان‌آرا، تأکید دارد که کل فعالیت‌های این صنعت منطبق بر اسناد توسعه پایدار و با دریافت مجوز از نهادهای ذیربط انجام می‌شود و فراتر از آن برای حفظ محیط‌زیست و جلوگیری از خسارت به آن، بالاترین همکاری ممکن را در همه سطوح انجام داده است و خواهد داد.»